

به بهانه‌ی:

۱۰ اردیبهشت، روز ملی خلیج فارس



**دهم اردیبهشت ماه** از سال ۱۳۸۴، **روز ملی خلیج فارس** نام گرفته است. به دلیل اهمیت خاص و استراتژیکی که این خلیج و تنگه‌ی هرمز از منظر سیاسی و اقتصادی برای کشور ما دارد و نیز تلاش‌هایی که از سوی برخی از کشورهای همسایه برای تحریف نام تاریخی آن انجام گرفت، شورای عالی انقلاب فرهنگی به پیشنهاد شورای فرهنگ عمومی، روز دهم اردیبهشت که روز اخراج پرتغالی‌ها از تنگه‌ی هرمز در قرن شانزدهم میلادی بوده است را، به عنوان روز ملی خلیج فارس نامگذاری کرد.

خلیج فارس دارای موقعیت خاص جغرافیایی است زیرا تنگه‌ی هرمز، پل ارتباطی این آبراه با اقیانوس هند و آب‌های آزاد است و این موضوع، باعث شده تا منطقه از لحاظ تجاری و نظامی، به خلیج فارس وابسته باشد. از سوی دیگر، ذخایر نفتی و غنای آب خلیج فارس از لحاظ مواد معدنی و غذایی نیز، بر ویژگی‌های استثنایی خلیج فارس افزوده و موجب شده است که چشم طمع بسیاری از کشورهای منطقه و قدرت‌های فرا منطقه‌ای، به سوی آن جلب شود.

این آبراه ارزشمند و حساس که دارای منافع بزرگ اقتصادی و موقعیت سوق الجیشی و سیاسی است، از روزگاران بسیار دور تاکنون، کشورهای غربی و استعمارگران را تشنه‌ی حضور و کسب مالکیت در این منطقه کرده و باعث شده تا آنها بکوشند سیاست‌های خود را بر منطقه تحمیل کنند.

از این‌رو خلیج فارس، همواره صحنه‌ی کشمکش و منازعات زیادی بوده و به تبع آن، زندگی سیاسی و اقتصادی کشورهای منطقه نیز، از این کشمکش‌ها متأثر شده است.



در این مجال کوتاه، لازم است یادآور شویم که خلیج فارس و دریای عمان از نظر وجود منابع عظیم نفت و گاز و **شرایط خاص محیط زیستی** و بهره‌برداری‌هایی که از این زیست‌بوم آبی و منابع موجود آن می‌شود، به‌شکل مستمر در معرض خطراتی است که بسیار مهم بوده و نیاز به توجه فراوان دارد.

حساسیت راهبردی این منطقه و تنش‌های سیاسی، نظامی و موضوعات اقتصادی، محیط‌زیست دریایی این منطقه را تحت تأثیر مستقیم و غیرمستقیم خود قرار داده و دریای عمان را به یکی از آلوده‌ترین مناطق دریایی تبدیل کرده است.

در سال‌های اخیر عوامل مختلفی چون افزایش جمعیت، توسعه‌ی شهرنشینی، گسترش صنعت، استفاده‌ی نادرست از منابع طبیعی و موارد دیگر، سبب بروز آلودگی شدید محیط زیستی در این منطقه شده است. زندگی صنعتی بشر امروزی بیش از هر پهنه‌ی آبی دیگر در کشور، آثار مخرب خود را بر خلیج فارس نشان داده است.

عبور و مرور انواع شناورها و تخلیه‌ی مواد آلاینده‌ی آنها به خلیج فارس و تخلیه‌ی انواع شیمیایی خطرناک، از مهم‌ترین عوامل آلودگی محیط‌زیست دریایی خلیج فارس هستند که توانسته‌اند در اندک زمانی بوم سازگان بی‌نظیر آن را تا چندین برابر حد مجاز، آلوده کرده و آبریان و موجودات آن را با خطر نابودی مواجه کنند.



حجم آب خلیج فارس با وسعتی معادل ۲۵۰۰۰۰ کیلومتر مربع و عمق متوسط ۳۵ متر بسیار کم است، افزون بر اینکه تنگی گلوگاه هرمز، سبب می‌شود که آب‌های آن به کندی تجدید شود. نکته‌ی دیگر اینکه به علت عمق کم آب و درجه‌ی حرارت بالا در منطقه، شوری آب در این محدوده‌ی دریایی بسیار زیاد است و سبب می‌شود که از توانایی پالایش و تصفیه‌ی فضولات توسط آب دریا، به صورت محسوسی کاسته شود. همچنین اهمیت مخازن نفتی در منطقه و افزایش تولیدات و صادرات آن در سال‌های اخیر، مهم‌ترین عامل در آلودگی آب‌های خلیج فارس به شمار می‌رود.

طبق آمار منتشر شده توسط سازمان ملل متحد، تولید نفت هشت کشور ساحلی خلیج فارس در سال ۱۹۸۵ نزدیک به هفتصد میلیون تن متریک ( واحد وزنی در شرکت‌های نفتی) تخمین زده شده است که سهم تولیدات فلات قاره به ۱۱۸۰۴۲۵۰۰۰ تن متریک می‌رسد که از بیش از ۶۰۰ چاه نفتی استخراج می‌شود.

بخش مهمی از تولیدات نفتی توسط نفتکش‌های غول پیکر از بیست و چهار پایانه‌ی نفتی، به خارج از منطقه صادر می‌شود. در چنین شرایطی فوران احتمالی چاه‌های نفتی، برخورد نفتکش‌ها و همچنین عملیات تخلیه‌ی آب توازن (مقادیر مختلفی از آب که به دلایل گوناگون در مخازن کشتی‌ها نگهداری می‌شود) هر کدام ممکن است خطرات مهمی برای محیط زیست دریایی به دنبال داشته باشد. تخلیه‌ی این آب‌ها ممکن است منجر به وارد شدن موجودات زنده‌ی غیر بومی به بوم سازگان بندر محل تخلیه شود، که این گونه‌ها، شامل گونه‌های بیگانه و انواع غیر بومی می‌شود. طبق آمار موجود به علت عملیات تخلیه‌ی آب توازن، همه ساله بین ۴ الی ۵ میلیون تن نفت، به آب‌های خلیج فارس ریخته می‌شود.



در قرن بیستم پیشرفت در عرصه‌های مختلفی همچون تکنولوژی، صنعت و حمل و نقل، سبب تعرض گسترده و روزافزون به این منطقه‌ی حساس شده است. هرچند نظام‌های گوناگونِ مسوولیت مدنی موجود، برای جبران خسارت، راهکارهایی را مقرر کرده‌اند؛ اما شرایط ویژه‌ی خلیج فارس سبب شده است تا در دهه‌های پایانی قرن بیستم نظام‌های مهم حقوقی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، برای حمایت گسترده‌تر از محیط‌زیست در این منطقه، درصدد ایجاد تغییراتی برآیند.

در این میان باوجود توجه کارشناسان محیط‌زیست و نیز وجود چندین سند و سازمان منطقه‌ای و بین‌المللی، برای ایفای تعهدات از سوی کشورهای ساحلی در کنترل و کاهش این آلودگی‌ها، **اجماع حقوقی و دیپلماتیک زیادی وجود ندارد**. بررسی ابعاد حقوقی این مساله، به‌ویژه بررسی مسوولیت بین‌المللی

کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس در مقابله با این پدیده، در پرتوی تعهدات عرفی و قراردادی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست ناظر بر محیط‌های آبی، ضروری است. در حال حاضر، بیشتر از ۲۳۰ پیمان بین‌المللی محیط‌زیستی وجود دارد که بیشتر آنها در سی سال گذشته بسته شده‌اند؛ **اما درست اجراءشدن این پیمان‌ها** و سهل‌انگاری مجریان سبب شده است تا این پیمان‌ها، تأثیر قابل توجهی نداشته باشند.

توجه به این واقعیت ضروری است که اساساً به‌کارگیری مدیریت محیط‌زیستی در منطقه‌ای همچون خلیج فارس، تنها در چارچوب **یک پیمان همکاری جمعی** امکان‌پذیر است و تلاش کشورها به‌شکل انفرادی، به نتیجه نخواهد رسید و چنانچه سازوکار هماهنگ و همسویی از سوی کشورهای منطقه، برای کنترل آلودگی‌های گسترده وجود نداشته باشد، زمینه‌ی نابودی این بوم‌سازگان ارزشمند فراهم خواهد شد.

نتیجه آن که برای پرهیز از فرصت‌سوزی‌های بیشتر، لازم است تمام کشورهای مشترک‌المنافع منطقه، آستین همت بالا زده و در خصوص حفظ محیط‌زیست این بوم‌آبی ارزشمند و حیاتی، به تعهدات ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی خود عمل کنند.



آمار و ارقام و مطالب تخصصی برگرفته از مقالات مندرج در سایت مرکز مطالعات خلیج

فارس به آدرس زیر است :

<http://www.persiangulfstudies.com>